



آگهی استخدام

ماهنامه بندر رویا

دعوت به

همکاری می کند

بندر رویا

ماهنامه منطقه آزاد انزلی-بندر رویا | شماره دوم | آذر ۱۴۰۴

چهار کیلومتر

شبى كه خورشيد متولد مى شود و كسى بى هندوانه نمى ماند

Ночь Ялда в Гиляне:
наследие солнца,
красноты стола и
единения людей

أربعينية الشتاء في جيلان؛
الليلة التي تولد فيها الشمس و
لا يبقى أحد إلا وأخذ حصته
من بطيخ الليلة التقليدية



صفحه



📍 yousefirestaurant 📞 0911 334 6441 📞 013 3443 5253

📍 کیلومتر ۲۰ اتوبان رشت به انزلی، چاپارخانه

رستوران یوسفی
Yousefi Restaurant

رستوران یوسفی با افتخار برگزار میکند
ویژه برنامه شب یلدا

یلدای یوسفی

موزیک زنده. استندآپ کمدی
اجرای گروه دف نوازان

شام: چلوکباب بختیاری

همراه با مخلفات، نوشیدنی، چای، آجیل مخصوص، انار و هندوانه

اجرای تم ویژه یلدایی و عکاسی به همراه فال حافظ

با ارائه این برگه از ۱۰٪ تخفیف منو غذای رستوران یوسفی لذت ببرید

در گفتگو با مرکز شماره گذاری خودرو منطقه آزاد انزلی بیان شد:

پلاک‌های ۶۶ و ۶۹؛ دو مسیر متفاوت برای مالکان خودروهای منطقه آزاد انزلی

این پلاک نیز برخلاف تصور بسیاری از مالکان کوتاه‌مدت نیست، اما سقف مشخصی دارد پلاک ۶۹ برای ده سال اعتبار دارد. ابتدا برای دو سال صادر می‌شود و هر دو سال یکبار باید تمدید شود. نهایتاً هم پس از گذشت ده سال، خودرو باید از کشور خارج شود و دیگر حق تردد در منطقه آزاد را ندارد.

سرهنک موسی پور می‌گوید: به دلیل موقت بودن ماهیت پلاک ۶۹، این خودروها تحت هیچ شرایطی قابلیت تبدیل به پلاک ملی ندارند.



در روزی ابری و شلوغ در محوطه شماره گذاری منطقه آزاد انزلی، صدای روشن و خاموش شدن خودروها با رفت‌وآمد مالکان در هم می‌آمیخت. در میان این هیاهو، موضوعی که این روزها ذهن بسیاری از مالکان خودرو در مناطق آزاد را درگیر کرده، تفاوت میان پلاک‌های جدید ۶۶ و ۶۹ است؛ پلاک‌هایی که به تازگی بر روی خودروهای ورودی نصب می‌شوند و هر کدام قوانین، محدودیت‌ها و فرصت‌های متفاوتی دارند. برای روشن شدن ماجرا، پای صحبت سرهنک میلاد موسی پور نشستیم؛ کسی که سال‌هاست در مرکز شماره گذاری خودرو منطقه آزاد انزلی نبض تردد خودروهای وارداتی را می‌شناسد و دقیق‌ترین تصویر را از این تفاوت‌ها ارائه می‌دهد.

✂ پایان گفت‌وگو: دو مسیر، دو سر نوشت

در جمع‌بندی این گفت‌وگو، رئیس مرکز شماره گذاری بار دیگر تفاوت بنیادین این دو پلاک را یادآوری می‌کند: پلاک ۶۶ امکان تبدیل به پلاک ملی را دارد، می‌تواند مرخصی بگیرد، محدودیت راننده ندارد و از نظر استفاده مادام‌العمر است. اما پلاک ۶۹ کاملاً موقتی است؛ هم محدودیت‌های سخت‌گیرانه دارد و هم باید نهایتاً ظرف ده سال از کشور خارج شود. وقتی از پشت شیشه مرکز شماره گذاری، خودروهای منتظر برای نصب پلاک را نگاه می‌کنیم، اهمیت این تفاوت‌ها بیشتر روشن می‌شود. در واقع، هر پلاک برای خود داستان و سرنوشتی جداگانه دارد؛ مسیری باز و طولانی برای پلاک ۶۶، و مسیری کوتاه، کنترل‌شده و پایان‌دار برای پلاک ۶۹.



برای دیدن ویدیوی این مصاحبه در اینستاگرام ماهنامه بندر روپا «کیو آر کد» زیر را اسکن کنید.

وی می‌گوید: پلاک ۶۹ ماهیت موقت دارد. این پلاک برای خودروهایی صادر می‌شود که فقط به صورت موقت وارد محدوده منطقه آزاد می‌شوند. طبیعتاً محدودیت‌ها هم بیشتر است. وی با ذکر این نکته که مهم‌ترین شرط این پلاک، الزام حضور مالک هنگام رانندگی است تأکید می‌کند: صاحب خودرو باید هنگام تردد در خودرو حضور داشته باشد و اجازه ندارد رانندگی را به شخص دیگری بسپارد.

یکی از نکات بحث‌برانگیز درباره این پلاک، موضوع مرخصی است؛ موضوعی که برخلاف پلاک ۶۶، در اینجا کاملاً منتهی است؛ به این خودروها به هیچ عنوان مرخصی داده نمی‌شود. اگر مالکی درخواست مرخصی بدهد، گمرک نه تنها موافقت نمی‌کند، بلکه پلاک را لغو خواهد کرد. سرهنک موسی پور تأکید می‌کند که اعتبار

می‌گوید: دارندگان این خودروها می‌توانند از طریق گمرک درخواست مرخصی بدهند و با دریافت پلاک موقت، در سرزمین اصلی تردد کنند. این خودروها محدودیت سالانه ندارند و مادام‌العمر امکان استفاده از آن‌ها وجود دارد. فقط مالک موظف است پروانه تردد را هر سال در منطقه آزاد تمدید کند. وقتی از او درباره الزام بازگشت خودرو سؤال می‌کنیم، پاسخش روشن است: برای پلاک ۶۶، الزام بازگشت به منطقه وجود ندارد.

✂ پلاک ۶۹: میهمان ده‌ساله با قوانین سختگیرانه

در بخش دوم گفت‌وگو، سرهنک موسی پور به سراغ پلاک جدیدی می‌رود که اخیراً توسط پلیس راهور صادر شده: پلاک ۶۹؛ پلاکی که فلسفه‌اش کاملاً متفاوت است.

✂ پلاک ۶۶: ورود خشک، آزادی بیشتر

سرهنک موسی پور گفت‌وگو را با توضیح درباره پلاک ۶۶ آغاز می‌کند: پلاکی که روی خودروهایی نصب می‌شود که به صورت «خشک» وارد منطقه آزاد می‌شوند. وی توضیح می‌دهد: این خودروها در سال ۲۰۲۵ باید حداکثر یک سال زیر مدل باشند، یعنی مدل ۲۰۲۴، و حجم موتورشان هم از ۲۵۰۰ سی‌سی بیشتر نباشد. همچنین ساخت آمریکا بودنشان هم خط قرمز ورود است. اما آنچه پلاک ۶۶ را برای بسیاری از مالکان جذاب می‌کند، محدودیت‌های کمتر آن است. سرهنک موسی پور ادامه می‌دهد: در پلاک ۶۶ مالک لازم نیست خودش پشت فرمان باشد. خودرو را افراد دیگر هم می‌توانند برانند و از نظر استفاده، محدودیتی برای مالک تعریف نشده.

وی در خصوص یکی از مهم‌ترین امتیازهای پلاک ۶۶ را

شرکت نمایندگی کشتیرانی ستاره بیکران کاسپین

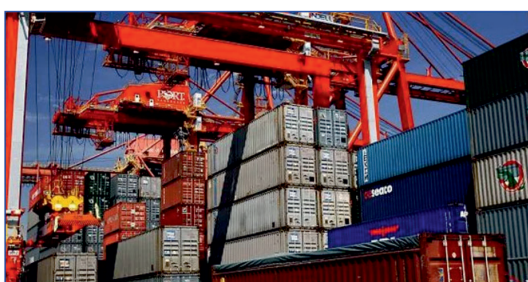
به شماره ثبت ۴۸۸۵ با مسئولیت محدود تأسیس شده و به عنوان پیشرو در ارائه خدمات جامع نمایندگی کشتیرانی در حوزه دریای خزر فعالیت می‌کند.

این شرکت خدمات متنوعی از جمله نمایندگی بندری، فورواردری و چارترینگ را تحت شرایط حمل و نقل بین‌المللی به شرکت‌های کشتیرانی و مشتریان خود ارائه می‌دهد.

ستاره بیکران کاسپین

در بنادر شمالی ایران از جمله بندر انزلی، بندر کاسپین و بندر آستارا، امیرآباد، نوشهر، فریدونکنار با تیمی مجرب و متخصص در حوزه‌های نمایندگی بندری و حمل و نقل دریایی فعالیت دارد.

با توجه به تخصص و مهارت‌های لازم، این شرکت آماده است تا در کوتاه‌ترین زمان به نیازهای شما پاسخ دهد. مشتریان شرکت می‌توانند از مزایای سیستم‌های جهانی و عملیات کارآمد در حوزه حمل و نقل دریایی در دریای خزر بهره‌مند شوند.



۰۹۱۲۷۲۴۶۵۳۳ - ۰۹۱۱۳۳۶۵۳۴۳

۰۱۳۴۴۴۲۴۱۴۷

دفتر انزلی: روبروی آتش نشانی، ساختمان زمرد، طبقه اول، واحد ۲

www.sbc-co.com

Info@sbc-co.com



SETARE BIKARAN CASPIAN
Shipping Agency
Судоходное агентство



شب چله؛ آیینی زنده از دل هیرکانی تامه کاسپین

به هم نزدیک شود. همچنین باور داشتند اگر عروس در شب چله به خانه بخت برود، مهر و محبت بین زوج جاودانه می ماند. ثبت جهانی آیین های شب چله گیلان، یعنی پاسداری از گنجینه ای که ریشه در گذشته های دور دارد اما در هر دوره با تغییرات منطقی همراه شده و هنوز هم نفس می کشد. این ثبت، مسئولیتی تاریخی بر دوش ما گذاشته: اینکه این میراث زنده را بشناسیم، پاسداری کنیم و به نسل های بعد منتقلش کنیم. امروز که زندگی مدرن بعضی سنت ها را کمرنگ کرده، برگزاری چنین جشن هایی می تواند پلی باشد میان گذشته و حال. از طرف دیگر، این آیین ها با ترکیب زیبای فرهنگ، اجتماع و طبیعت، ظرفیت تبدیل شدن به یک قطب گردشگری فرهنگی و کمک به توسعه پایدار گیلان را دارند.

شب چله گیلانی، فقط یک شب در تقویم نیست؛ آیینی است از جنس عشق خانواده و دورهمی های صمیمانه. این شب ریشه های امید و انتظار برای روشنی و طلوع رازنده می کند و یادمان می دهد چطور در دل طولانی ترین و سردترین شب سال، با تکیه بر همبستگی خانوادگی، احترام به طبیعت و هنر زندگی جمعی، نور درونمان را روشن نگه داریم و به فردای بهتر امیدوار بمانیم. این شب میراثی نیست برای موزه ها؛ آیینی زنده است برای امروز و فردا. در آثار ادبی و هنری نیز نقش پررنگی دارد و مولانا بارها از این روشنایی و گشایش طلوع سخن گفته است.

هم هست که می گوید در این شب درختان سر خم می کنند و اگر کسی همان لحظه بیدار باشد، هر نیتی کند برآورده می شود. خانه ها با چلچراغ های شب یلدار روشن می شود، کرسی گرم می شود و جمع خانواده دور هم می نشینند. بازی های محلی، گفت و گوهای صمیمی و خاطره گویی بزرگ ترها که نسل جوان گوش می دهد، حلقه پیوند

آن را در آویزه هایی با ساقه برنج می آویزند و حتماً با همسایه تقسیمش می کنند؛ چون باور دارند خوردن هندوانه که طبیعتی سرد دارد، تشنگی تابستان شالیزار و سرمای زمستان را از تن دور می کند. شب چله، شبی است برای زایش دوباره آواها و نواها و میراث امید و تفأل، یکی از این فال ها فال پوست هندوانه است؛ پوست را چهار قسمت می کنند، نیت



گذشته و آینده را محکم تر می کند. در گذشته شام این شب معمولاً از سبزیجات محلی درست می شد؛ نشانه ای از احترام به چرخه طبیعت. یکی از رسم های زیبا، فرستادن شب چره برای عروس های تازه عقد بود. خانواده داماد، مجمعی از خوراکی های زمستانی و مرحمتهایی مثل پارچه و طلا برای عروس می فرستادند تا دل زوج جوان

می گیرند و به پشت می اندازند. اگر هر چهار قطعه سبز بیفتد یعنی اتفاق های خیلی خوب در راه است. در ماسوله هم مراسمی به نام «شسم شمی» برگزار می شود؛ افراد دم در یا سر گذر می ایستند و به حرف رهگذاران گوش می دهند و هر سخن خوش را نشانه برآورده شدن نیت خود می دانند. فال حافظ هم با احترام و آیینی ویژه گرفته می شود. باوری دیگر

از دل جنگل های کهنسال، سحرانگیز و سرافراز هیرکانی و کناره های مه آلود دریای کاسپین، آوای کهن ترین جشن نور در تاریکی شب های پراز نوا و صدا طنین می اندازد: شب چله.

شب چله در گیلان، مثل خود طبیعتش گسترده و پراز تنوع است. این شب فقط یک جشن نیست؛ یک آیین زنده و پویاست که گرمای زندگی را وسط سردترین و بلندترین شب سال، در سینه آدم ها روشن نگه می دارد. آذر ۱۴۰۱ این میراث ارزشمند در هفدهمین کمیته میراث ناملموس یونسکو در ریاض مراکش ثبت جهانی شد و به عنوان نوزدهمین میراث فرهنگی ناملموس ایران، شماره ۱۰۰۵ فهرست ملی را به خود اختصاص داد. شب چله، که به آن «پيله چله» یا «چله بزرگ» هم می گویند، اولین شب از چهل روز زمستان سرد است؛ شبی نمادین برای پیروزی روشنایی بر تاریکی و وعده ای برای بازگشت تدریجی خورشید. گیلانی ها این رخداد نجومی را با آیین هایی جشن می گیرند که ریشه در خرد جمعی و پیوند عمیقشان با طبیعت دارد. سفره شب چله خودش یک گنجینه از نعمت های گیلان است. روی این سفره فقط هندوانه و انار نیست؛ هویت محلی موج می زند. از «آب کنوس» یا همان ازگیل که خیلی ها به آن «خرمای گیلان» می گویند، تا خوج، سیب، کدوی پخته، به دانه های بوداده برنج و گندم، گردو، فندق، تخم کدو، «دوشاب برنج» یا شیره برنج، حلوا کنجدی، «کاکا» و نان های محلی. گیله مردان و گیله بانوان باور دارند که نخوردن از این میوه ها باعث «چله گرفتگی» یا بیماری می شود. هندوانه، پایه ثابت سفره یلدا، فقط یک میوه نیست.



ARSHIA
MIT LIEBE GEMACHT Flügel company

Flügel
GERMAN BRAND

نمایندگی انحصاری برندهای آلمانی عرشیا و فلوگل در منطقه آزاد انزلی و استان گیلان

۰۹۳۹۳۷۰۰۴۸۸ arshia.afz.co



جلوه ای از اصالت و نوآوری در لوازم خانگی با فناوری روز اروپا و طراحی چشم نواز آلمانی



چندین دهه
اعتماد و همراهی

30+
Countries

فعالیت در ۳۰+ کشور جهان

تسهیلات کاربردی بانک ایران زمین

تا سقف یک میلیارد تومان

متناسب با نیاز شما



ዐሣህ ዓለሙ

مرکز تماس بانک ایران زمین



www.lzbank.ir



دهكده هوشمند ورينا

يك انتخاب هوشمندانه



VERINA VILLAGE

دهكده ورينا



DEHKADE_VERINA

013 44 987

0935 858 5872

منطقه آزاد انزلی



روایت یک مسیر ماندگار در کار آفرینی بومی؛

بانوی حصیر ایران؛ داستان زنی که به کمتر از دیده شدن قانع نشد

خبرنگاران و مسئولان شماره او را گرفتند و قدم به قدم، مسیر شناخته شدنش آغاز شد.

حدود بیست روز بعد، دعوتنامه بعدی از کیش رسید. او با تمام وسایل کارش راهی این نمایشگاه شد؛ وسایلی که همیشه همراهش هستند، چون همزمان کار می کند و آموزش می دهد. در پایان نمایشگاه کیش، غرفه او به عنوان غرفه برتر انتخاب شد و دو لوح تقدیر و یک هدیه غیر نقدی دریافت کرد.

این مسیر سسال ها ادامه پیدا کرد؛ حضور در نمایشگاه های مختلف داخلی و دریافت عناوین متعدد. در نمایشگاه شیراز، او به عنوان بانوی محبچه تقدیر شد. با این حال، خودش می گوید هنوز به جایی که باید برسد نرسیده بود و در دست فکر می کرد. روزی رئیس صنایع دستی گیلان، با او تماس گرفت و از برگزاری نمایشگاهی در قرقیزستان خبر داد. بدون تردید این دعوت را پذیرفت و راهی آن سوی مرزها شد تا هنر خود را ارائه کند.

در قرقیزستان با او مصاحبه شد و تصویرش در روزنامه ها به چاپ رسید. دعوت بعدی به بلاروس بود. او در این کشور به دانشجویان ایرانی علاقه مند، حصیر بافی آموزش داد و با استقبال خوبی روبه رو شد. در پایان نمایشگاه، سفیر ایران غرفه او را به عنوان غرفه برتر با عنوان «پیشکسوت حصیر» انتخاب کرد و هدایای نقدی و غیر نقدی به او اهدا شد؛ «باورم نمی شد به زن روستایی بتوانه تو به کشور دیگه این همه دیده بشه»

سفرها ادامه داشت؛ تاجیکستان، ویزا همان ذوق و شوق کودکانه؛ «من آرزو داشتم تو شهر و استانم شناخته بشم، اما به روز دیدم اون طرف مرز دارم هنر کشورمو معرفی می کنم».

خاتم شهدی امروز خودش را «سفیر حصیر ایران» می داند. حصیرها برایش فقط یک محصول نیستند؛ «حصیرها دوست منن، شب های خیلی طولانی را ز دار من بودن، همه حرف هام تو تار و پودشونه».

امروز از کشورهای مختلف برای خرید به سرافش می آیند یا درخواست ارسال چمدانی دارند؛ از ژاپن و هنگ کنگ گرفته تا آلمان، کویت و ایتالیا. او دیگر سال هاست در خانه کار نمی کند و کارگاهی دارد که در آن هم آموزش می دهد و هم کسب و کارش را مدیریت می کند. دودخترش راه او را ادامه داده اند و پسرش در حوزه ورزش فعال است.

او همچنان نوآوری می کند؛ از دستگاه اختصاصی بافت حصیر گرفته تا محصولات خلاقانه ای که سال ها پیش ابداع کرده است. با این حال، مهم ترین دغدغه اش آموزش است؛ «من عاشق آموزش دادنم، این هنر باید تو گیلان زنده بمونه. یک دست صانداره»

آرزویش تأسیس یک آموزشگاه و گسترش کار آفرینی است؛ مسیری که خودش می گوید انتهایی ندارد.

«کار و هدف من بینهایت است»



مناسب تمرینی و پشتیبانی، به بهترین شکل استفاده کنیم»

سرمربی ملوان نیز در این دیدار با قدردانی از پیگیری ها و حمایت های سازمان منطقه آزاد انزلی، بر نقش مؤثر این همکاری در ایجاد ثبات و ارتقای شرایط تیم در مسیر مسابقات لیگ تأکید کرد.



با وجود اینکه حالا هم حصیر بافی بلد بود، هم کشاورز نمونه استان شده بود و هم مجوز پرورش قارچ داشت، هنوز احساس رضایت نمی کرد. مدام با خودش فکر می کرد چرا باید همه این توانایی هادر خانه بماند؛ «با خودم می گفتم چرا فقط تو خونه کار کنم؟ دلم می خواست همه منوبشلسن، کارمو بینن، حصیرم جهانی بشه»

او رؤیای شناخته شدن، گرفتن سفارش از سراسر ایران و ارسال محصولاتش به نقاط مختلف را در سر داشت.

روزهایش با همین فکرها و آرزوهای گذشت تا یک روز تلیستانی، زیر سایه درختی که مثل همیشه مشغول حصیر بافی بود، گروهی از جهاد کشاورزی تهران به سراغش آمدند. از او پرسیدند چرا با وجود اینکه کشاورز نمونه است، چنین کاری انجام می دهد. خاتم شهدی آن ها را دعوت کرد کنار او بنشینند و برایشان توضیح داد که کشاورزی فقط ۲۰ تا ۲۵ روز از سال او را درگیر می کند؛ «من بقیه سال نباید بیکار باشم.

برای زندگی بهتر و همراهی با همسرم باید به کار دیگه هم داشته باشم. حصیر بافی شغل مادری و خانوادگی منه و حرفه ای اتجامش می دم» صحبت ها و کارهای او آن قدر روی این گروه تأثیر گذاشت که مدتی بعد، برایش بروشور و دعوتنامه ای برای حضور در نمایشگاهی در تهران ارسال شد. خودش می گوید وقتی دعوتنامه را دید، چشم هایش از ذوق برق زد؛ «از روستا به شهر دعوت شده بودم. خوشحال بودم، ولی ته دلم ترس هم داشتم، می گفتم من زن روستایی، تنهایی برم تهران؟»

در این نقطه، حمایت همسرش نقش تعیین کننده ای داشت؛ «اگر دلگرمی همسر نبود، شاید هیچ وقت جرأت نمی کردم این راهو برم» و با همین پشتوانه، راهی تهران شد.

روز نمایشگاه، با لباس زیبای محلی گیلکی حاضر شد و وارد فضای تازه شد؛ فضایی که پر از مسئولان، خبرنگاران و افراد شناخته شده بود. همان نمایشگاه به نقطه عطف زندگی حرفه ای او تبدیل شد؛ «اون روز حس کردم دیده شدم»

و در سال ۱۳۸۲ به عنوان زن برتر گیلان و کشاورز نمونه انتخاب شد. خودش در باره این دوره می گوید: برنج اصل هاشمی رو کامل یاد گرفتم؛ کاشت، داشت و برداشت. این کار به من نظم و صبر یاد داد.

اما خاتم شهدی به یک مسیر قانع نمی شد. پس از کشاورزی، به پرورش قارچ روی آورد و این کار را هم با دقت یاد گرفت. نقطه مهم این بخش از زندگی او، نوآوری ای بود که انجام داد؛ نوآوری ای که حتی رئیس جهاد کشاورزی وقت را شگفت زده کرد.

او متوجه شد رطوبت به کلوش هایی که قارچ در آن ها پرورش داده می شد، به خوبی نمی رسد. راه حلش ساده اما خلاقانه بود؛ «بیدم رطوبت نمی رسه، کلوش ها رو گذاشتم توی کلسه آب تا رطوبت رویکشن»

چند روز بعد قارچ ها رشد کردند؛ کاری که تا آن زمان کسی موفق به انجامش نشده بود. همین ابتکار باعث شد رئیس جهاد کشاورزی به عنوان تشویق، مجوز رسمی پرورش قارچ را به او اهدا کند.

آگهی استخدام ماهنامه بندر رویا دعوت به همکاری می کند

ماهنامه «بندر رویا» به منظور گسترش فعالیت های رسانه ای خود از علاقه مندان در دو حوزه زیر دعوت به همکاری می نماید:

۱. جذب بازاریاب تبلیغاتی (ویژه بانوان)

پورسانت عالی و رقابتی – بدون محدودیت درآمد

مناسب برای افراد فعال و ارتباط محور – امکان همکاری منعطف

۲. جذب کارآموز خبرنگاری

ویژه علاقه مندان به دنیای رسانه، خبر و گزارش نویسی.

آموزش عملی و هدافمند – فرصت ورود حرفه ای به فضای رسانه
همکاری رسمی پس از موفقیت در دوره

راه های ارتباطی جهت ارسال درخواست و کسب اطلاعات بیشتر:

تلفن تماس: ۰۹۱۲۱-۰۹۴۹۳۵

واتساپ و تلگرام: ۰۹۳۶۰۵۷۵۱۵۳

اینستاگرام: bandar_royaa



برگزاری جشن ها و مناسبت ها

برنامه ویژه شب یلدا

(موزیک زنده، تم یلدایی، خوراکی یلدایی)
منو آزاد، ورودی رایگان



VIYONA

رستوران ویونا گردون

تنها رستوران گردان گیلان با چشم انداز دریا

Ресторан "Виона Гардун" **مطعم فیونا الدوار**

Единственный вращающийся
ресторан в Гиляне
с видом на море

المطعم الدوار الوحيد في محافظة
جیلان الیبرانیة المطل على البحر



VIYONA.GARDOON

آدرس: منطقه آزاد انزلی، سه راه حسن رود
تلفن و واتس اپ رزرو ۰۹۱۱۹۴۴۸۷۷



چله در گیلان؛

شبی که خورشید متولد می شود و کسی بی هندوانه نمی ماند



سسیمیه داوری - در دل زمستان، شبی وجود دارد که برای مردم گیلان نه فقط یک مناسبت تقویمی، بلکه لحظه‌ای برای توقف، اندیشیدن و بازگشت به ریشه‌هاست؛ شبی که در آن آتش مفهومی پیدا می کند، خورشید دوباره متولد می شود و خانواده‌ها همچون حلقه‌ای کامل گرد می آیند. شب چله در گیلان آیینی است که در آن اسطوره، باورهای طبیعی، خوراک، رنگ، معماری، کشاورزی و حتی مهارت‌های بومی در کنار هم معنا پیدا می کنند. این مناسبت کهن، بیش از آن که حاصل یک جشن باشد، نتیجه تجربه هزاران سال زندگی انسان در کنار طبیعت است؛ تجربه‌ای که آموخت چگونه باید در برابر زمستان ایستاد، چگونه باید گرما را در دل خانه نگه داشت و چگونه باید شادی را حتی در بلندترین شب سال در میان مردم تقسیم کرد.

برای واکاوی ریشه‌های این آیین، از نمادشناسی تاشیوه‌های نگهداری میوه، و از روایت‌های اساطیری تارفتارهای اجتماعی، یاد کتر میثم نواییان، مدیر موزه‌های استان گیلان گفت و گو کردیم؛ گفت و گویی که در پیچه‌ای تازه به یکی از ماندگارترین آیین‌های شمال ایران می گشاید:

شب چله در گیلان با آغاز دو دوره معروف زمستان معنا پیدا می کند: چله بزرگ و چله کوچک؛ دو برادری که در داستان‌های محلی، شخصیت پردازی شده و هر کدام رفتار و خوی خاص خود را دارند. با شروع بلندترین شب سال، چله بزرگ آغاز می شود؛ شبی که مردم با آداب و ویژه‌اش، از خوراک‌های نمادین تا روشن کردن آتش، همدلانه به استقبال زمستان می رفتند. در گذشته باور داشتند هر کس در شب چله حتی «یک قارچ هندوانه» بخورد، تابستان سخت

بیچار کاری را بدون تشنگی پشت سر می گذارد. در برخی مناطق رسم بود که باید چهل نوع خوراکی چشیده شود و چون چنین چیزی ممکن نبود، چهل دانه گندم برشته را به نیت همان چهل خوراکی می خوردند.

همه اهل خانه و فامیل نیز موظف بودند در خانه بزرگ خاندان جمع شوند؛ محوریّت خانواده یکی از مهم ترین عناصر شب

دارد، اما روح مشترک آیین ثابت است: گردهمایی، شادی، احترام به خورشید، حفظ پیوند با طبیعت و مراقبت از یکدیگر.

در پایان، او شب چله را فرصتی می داند برای یادآوری دانشی که نسل‌های پیشین با صبر و تجربه برای ما به جا گذاشته‌اند؛ دانشی که هنوز هم می تواند چراغ گرم خانه‌ها را روشن نگه دارد. شب چله شما مبارک.

برای دیدن ویدیوی این مصاحبه در اینستاگرام ماهنامه بندر رويا «کیو آر کد» زیر را اسکن کنید



بی نصیب نماند. روایت چله‌ها با داستانی دیگر ادامه می یابد: پیله چله، برادر بزرگ، آرام تر و طولانی تر است؛ اما کوچه چله، برادر کوچک، سردتر و سختگیرتر. مردم می گفتند اگر چله کوچک فرصت بیشتری داشت، سرما را چنان می آورد که «گاواره خوس» یخ می زد. جالب اینکه بسیاری از برف‌های تاریخی گیلان، از جمله برف‌های سال‌های ۸۳ و ۸۶، دقیقاً در دوره کوچه چله رخ داده است. در جامعه دامدار نیز نشانه‌های جالبی وجود داشته است. صبح پس از شب چله، هنگام باز کردن طویله، اهالی به نخستین گاوی که بیرون می آمد توجه می کردند: گاو سفید سال پرپر، گاو سیاه سال پرطوفان و گاو زرد یا بور نشانه خشکسالی تلقی می شد. نواییان تأکید می کند که هر چند شیوه اجرای شب چله میان تالش‌ها، گالش‌ها، گیله‌مردها، مردم کوهستان و مردم جلگه تفاوت‌هایی

بیستمین جشنواره ملی زیبایی اسب اصیل کاسپین در منطقه آزاد انزلی برگزار شد



در پایان مراسم، با اهدای تندیس یادمان جشنواره از مشارکت‌کنندگان و نیز از هوشنگ افشاری، پیشکسوت و معمار مرکز اصلاح نژاد اسب کاسپین، تقدیر به عمل آمد.

هادی حق شناس خواستار افزایش چنین برنامه‌هایی برای پر کردن اوقات فراغت مردم و توسعه ورزش‌های بومی شد و بر ضرورت ایجاد زیرساخت‌ها، آموزش‌های تخصصی و خدمات دامپزشکی توسط دستگاه‌های اجرایی تأکید کرد.

وی یادآور شد که اسب کاسپین متعلق به حاشیه دریای خزر است و جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی با محوریت سازمان منطقه آزاد انزلی در حفظ و ثبت این نژاد نقش آفرین هستند.

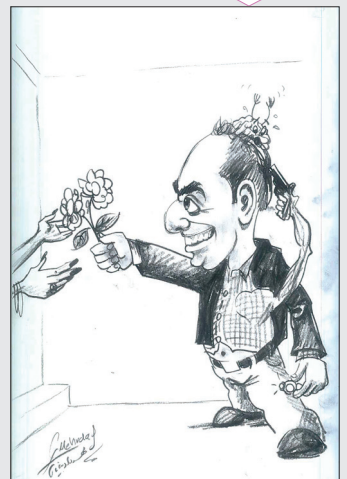
این جشنواره شامل نمایش و ارزیابی اسب‌ها بر اساس معیارهای زیبایی و اصالت نژادی، مسابقات تخصصی، کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های فنی بود. شرکت‌کنندگان از استان‌های مختلف اسب‌های خود را برای داوری ارائه کردند و برگزیدگان هر رده معرفی شدند. همچنین پوستر فراخوان علمی جشنواره رونمایی شد و علاقه‌مندان می توانند آثار علمی خود را تا بیستم اسفند به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

بیستمین جشنواره ملی زیبایی اسب اصیل کاسپین در منطقه آزاد انزلی برگزار شد؛ رویدادی که علاوه بر نمایش شکوه و اصالت این نژاد کهن، بر اهمیت حفظ و حمایت از میراث فرهنگی و ورزشی بومی کشور تأکید داشت.

به گزارش خبرنگار بندر رويا، بیستمین دوره جشنواره ملی زیبایی اسب اصیل نژاد کاسپین در مرکز اصلاح نژاد اسب کاسپین منطقه آزاد انزلی برگزار شد. در این رویداد ملی، اسب‌هایی با قامت کوچک اما پیشینه‌ای کهن یور تمه رفتند و اصالت خود را به نمایش گذاشتند.

در این مراسم با حضور استاندار گیلان، مصطفی طاعتی مقدم مدیر عامل سازمان منطقه آزاد انزلی، مدیران استانی و شهرستانی و جمعی از علاقه‌مندان برگزار شد. استاندار گیلان در سخنانی ضمن تبریک برگزاری جشنواره، بر نقش اسب کاسپین در هویت فرهنگی منطقه تأکید کرد و افزود: احیای این نژاد فراتر از یک رویداد نمایشی است و نیازمند حمایت‌های هدفمند می باشد.

چالش



وقتی خواستگاری دوباره، با یک کاریکاتور دل‌بری می کند

می داداو دقیقاً همان چیزی را کشید که دلش می خواست بگوید... نه متن نوشت، نه توضیح طولانی داد؛ فقط با یک کاریکاتور، حرف دلش را به زبان هنر گفت! و البته از آنجایی که شوخ‌طبعی ایشان مرز نمی شناسد، ما هم با همان زبان طنز اعلام می کنیم: مهرداد جان! اگر بعد از چاپ این کاریکاتور هنوز زنده‌اید و همسر تان اجازه می دهد، بفرمایید به همراه خاتم محترم تشریف بیاورید جایزه تان را تحویل بگیرید! یا به بیان دیگر اگر هنوز دست و پایتان سالم است و کار می کند، بیایید که یک شام رمانتیک دوفره در رستوران یوسفی در انتظار تان است. **جایزه برنده:** شام دوفره رمانتیک در رستوران زیبای یوسفی به پاس این خلاقیت و شوخ‌طبعی دلنشین، این زوج عزیز مهمان بندر رويا هستند تا شبی خاطر انگیز را کنار هم جشن بگیرند.

در شماره گذشته یک چالش متفاوت و عاشقانه در نشریه منتشر کردیم با این مضمون که اگر دوباره بخواهی از همسرت خواستگاری کنی، چطور این کار را انجام می دهی؟ خوانندگان بندر رويا مثل همیشه پرشور، خلاق و بانمک شرکت کردند؛ از متن‌های احساسی گرفته تا ایده‌های عجیب و غافلگیرکننده. اما بین همه آثار، یک اثر هم خنده‌دار بود، هم خلاقانه، هم دقیقاً قلب چالش را نشانه گرفت! و حالا...

برنده این چالش: آقای مهرداد بیاناتی مهرداد عزیز با یک کاریکاتور فوق العاده بامزه و خلاقانه که ملاحظه می کنید جواب داد که اگر دوباره می خواست از همسرش خواستگاری کند، چطور این کار را انجام

بهترین توجیه دیر رسیدن شما چیه؟

همه ما حداقل یک بار برای یک قرار مهم کاری، دوستانه یا حتی عاشقانه دیر رسیدیم و همان لحظه مجبور شدیم یک دلیل خلاقانه، بامزه یا حتی کاملاً ساختگی جور کنیم! این بار بندر رويا از شما می خواهد اعتراف کنید بهترین، بامزه‌ترین یا عجیب‌ترین توجیهی که تا حالا برای دیر رسیدنت ساختی چی بوده؟ می تونی جدی بگی، می تونی شیطنت کنی، می تونی هم کمی تخیل جاشنی اش کنی! هر چه جواب خلاقانه‌تر، شانس چاپش در شماره بعدی بیشتر. برای شرکت در چالش فقط یک جمله کوتاه و بامزه بفرست و بگو چرا دیر رسیدی. راه‌های ارسال جواب‌ها به نشریه بندر رويا از طریق واتساپ / تلگرام: ۰۹۳۶۰۵۷۵۱۵۳ اینستاگرام @bandar_royaa منتظر جواب‌های خلاقانه، صادقانه و خنده‌دار شما هستیم!

چالش این شماره

کاسپین خودرو ماندگار
Caspian Khodro Mandegar



کاسپین خودرو ماندگار

منطقه آزاد انزلی (سهامی خاص)

واردکننده خودروهای منطقه آزاد
(انواع سواری و کِشنده)

خدمات پس از فروش خودروهای منطقه آزاد



مدیرعامل

جمشید مهربان

۰۹۱۱ ۲۴۸ ۵۰۹۵



أربعينية الشتاء في جيلان؛

الليلة التي تولد فيها الشمس ولا يبقى أحد إلا وأخذ حصته من بطيخ الليلة التقليدية

في صميم الشتاء، هناك ليلة لا تمثل بالنسبة لأهل جيلان مجرد مناسبة تقويمية، بل هي لحظة للمكوث والتأمل والعودة إلى الجذور. هي ليلة تجد فيها النار معناها، وتولد فيها الشمس من جديد، وتجتمع فيها العائلات في دائرة كاملة. تعدّ ليلة أربعينية الشتاء في جيلان طقساً تتداخل فيه الأساطير والمعتقدات الطبيعية والأطعمة والألوان والهندسة المعمارية والزراعة وحتى المهارات المحلية. كلها تجتمع لتجد معانيها معاً.

إن هذه المناسبة القديمة، أكثر من كونها نتاج لإحتفال، هي نتيجة لآلاف السنين من الخبرة البشرية في العيش جنباً إلى جنب مع الطبيعة؛ وهي تجربة علمتنا كيف نواجه الشتاء، وكيف نحافظ على الدفء في قلب المنزل، وكيف نشارك الفرح بين الناس حتى في أطول ليلة في السنة. لاستكشاف جذور هذه الطقوس، من دراسة الرموز إلى طرق حفظ الفواكه، ومن الحكايات الأسطورية إلى السلوكيات الاجتماعية، تحدثنا مع الدكتور ميشم نوائي، مدير متاحف محافظة جيلان؛ وهي محادثة تفتح نافذة جديدة على واحدة من أكثر الطقوس ديمومة في شمال إيران:

تكتسب ليلة أربعينية الشتاء في جيلان معنى خاصاً مع بداية فترتين شتويتين شهيرتين: ليلة أربعينية الشتاء الكبيرة وليلة أربعينية الشتاء الصغيرة، وهما كشقيقتان يجسدان الفلكلور المحلي، ولكل منهما سلوكه وشخصيته المميزة. تبدأ ليلة أربعينية الشتاء الكبيرة مع بداية أطول ليلة في السنة، ليلة يستقبل فيها الناس الشتاء بحفاوة وعبادتهم وتقاليدهم الخاصة، من الأطعمة الرمزية إلى إشعال النيران.

في الماضي، كان يُعتقد أن من يأكل ولو فطر بطيخ واحد في ليلة أربعينية الشتاء، سيقضي الصيف الشاق لشتل الأرز دون أن يشعر بالعطش. وفي بعض المناطق، كان من المعتاد تذوق أربعين نوعاً من الأطعمة، ولأن ذلك لم يكن ممكناً، كان يؤكل أربعون حبة من القمح المحمص بنية تذوق تلك الأنواع الأربعين من الأطعمة.

كان يُطلب من جميع أفراد الأسرة والأعمام التجمع في بيت كبير العائلة؛ إذ كان التركيز على الأسرة أحد أهم عناصر ليلة أربعينية الشتاء. كما كان يُقام طقس ليلة أربعينية الشتاء للعروسين؛ حيث كانت عائلة العريس تذهب إلى منزل العروس حاملّة الهدايا كالملابس والأقمشة والسكر، بينما تُعدّ عائلة العروس هدية للعريس أيضاً.

في الماضي وقبل أن تدخل التلاجات حياة الناس، كانت معرفة حفظ الفواكه واحدة من أهم فنون الحياة. يوضح نوائي أن في منطقة أنزلي، كانت هناك أداة تقليدية تسمى فارس، وهي عبارة عن حبل منسوج من الحصر، يُستخدم لتعليق البطيخ والشمام والقرع وحتى الثوم في الأماكن الباردة من المنزل. وكانت هذه الفواكه تدوم لأشهر حتى تُستهلك في ليلة أربعينية الشتاء.

كان يتم وضع الرمان في جرار طينية، وتُغلق فوهاتهما بالطين، ثم تدفن في الأرض؛ وعند حلول ليلة أربعينية الشتاء، كانت الجرار تُخرج من الأرض وتتناول الناس الرمان الطازج. كما كان تشكيل جزء من هندسة المنازل الشمالية بناءً على هذه الحاجة: كان الجزء الأكثر برودة من

المنزل دائماً هو الغرب والشمال الغربي، وكان يستخدم لتخزين الطعام واللحوم.

ولكن لماذا يحظى اللون الأحمر بهذه الأهمية في حلول ليلة أربعينية الشتاء؟ يربط نوائي هذا الأمر برمزية الشمس والنار. فمن منظور الإيرانيين القدماء، كانت ليلة أربعينية الشتاء تُعتبر ليلة ميلاد الشمس، وهي ليلة وجدت لاحقاً مكاناً لها في طقوس عبادة الشمس. كانت النار رمزاً منزلياً للشمس، وأي شيء يشبه النار - كالبطيخ والرمان والبنجر - كان له مكانة خاصة على المائدة في تلك الليلة. حتى في اللوحات والملابس القديمة، كان اللون الأحمر دلالة على وجود النار في المنزل.

وفي الماضي وفي السهول والجبال، كان هناك طقس شائع يسمى تعليق الشال. كان الشباب يعلقون شالاً من نافذة البيوت، وكان صاحب البيت يربط هدية، غالباً ما تكون طعاماً محلياً أحمر اللون، في زاوية الشال ويعيده. لكن الجزء الأهم في هذه الطقوس كان التعاطف: فإذا لم تستطع عائلة ما شراء البطيخ، فإن القرويين كانوا يحضرون لهم شريحة من البطيخ حتى لا يبقى أحد بدون حصته في ليلة أربعينية الشتاء.

وتستمر حكاية ليالي أربعينية الشتاء بقصة أخرى:

بيلا تشيلي، الأخ الأكبر، أكثر هدوءاً وأطول عمراً، أما كوتشا تشيلي، الأخ الأصغر، فهو أكثر برودة وصرامة. كان الناس يقولون إنه لو كان لدى الأخ الأصغر وقت أطول، لكان جلب معه برذاقاً رطباً لدرجة أن يكاد الرائد في المهد أن يتجمد من شدة البرد. ومن المثير للاهتمام أن العديد من تساقطات الثلوج التاريخية في جيلان، بما في ذلك تساقطات عامي ٢٠٠٤ و٢٠٠٧، حدثت تحديداً خلال فترة كوتشا تشيلي.

كانت هناك أيضاً علامات مثيرة للاهتمام في المجتمع الرعوي. ففي صباح اليوم التالي لليلة أربعينية الشتاء، عند فتح الإسطبل، كان الناس ينتبهون إلى أول بقرة تخرج: فالبقرة البيضاء كانت تعتبر علامة لسنة ثلجية، والبقرة السوداء كانت تعتبر علامة سنة عاصفة، والبقرة الصفراء أو الشقراء كانت تعتبر علامة على الجفاف.

ويؤكد نوائي أنه على الرغم من اختلاف طريقة أداء ليلة أربعينية الشتاء بين شعوب الطاليش والجاليش وجيله مارد وسكان الجبال و سكان السهول، إلا أن الروح المشتركة للطقوس تظل ثابتة: التجمع والفرح واحترام الشمس والحفاظ على الصلة بالطبيعة والاهتمام ببعضهم البعض.

في النهاية، يرى الدكتور نوائي في ليلة أربعينية الشتاء فرصة لتمجيد الحكمة التي ورثناها عن الأجيال السابقة، من صبر وخبرة؛ حكمة لا تزال قادرة على إبقاء دفة البيوت متقدّاة. ليلة أربعينية شتوية سعيدة. لمشاهدة فيديو المقابلة مع الدكتور نوائي على حساب الشهري على إنستغرام، امسح رمز الاستجابة السريعة أدناه.



Ночь Ялда в Гиляне:

наследие солнца, красноты
стола и единения людей

Челле в Гиляне: ночь, когда рождается солнце, и никто не остаётся без арбуза

Гилян в объятиях Ялды: от огня в сердцах до красного цвета на столах

Челле гилянцев: мифы, еда, огонь и семья

В середине зимы есть ночь, которая для жителей Гиляна — не просто дата в календаре, а момент остановки, размышлений и возвращения к истокам. Ночь, в которой огонь обретает смысл, солнце вновь рождается, а семьи собираются в полном составе. Ночь Челле в Гиляне — это обряд, в котором мифы, природные верования, еда, цвет, архитектура, земледелие и даже местные ремёсла соединяются в единое целое.

Это древнее событие — скорее результат тысячелетнего опыта жизни человека в гармонии с природой, чем просто праздник. Опыта, который научил, как противостоять зиме, как сохранять тепло в доме и как делиться радостью даже в самую длинную ночь года.

Чтобы исследовать корни этой традиции — от символизма до способов хранения фруктов, от мифологических сюжетов до социальных практик, — мы побеседовали с доктором Мейсамом Наваианом, руководителем музеев провинции Гилян. Этот разговор открывает новое окно в одну из самых устойчивых традиций северного Ирана.

Ночь Челле в Гиляне обретает смысл с началом двух известных зимних периодов: «Большое Челле» и «Малое Челле» — двух братьев, которые в местных преданиях имеют свои характеры и особенности. С началом самой длинной ночи года начинается Большое Челле — ночь, когда люди с особыми ритуалами, от символических блюд до разведения огня, единодушно встречаются зиме.

В прошлом верили, что тот, кто съест в ночь Челле хотя бы «кусочек арбуза», проведёт тяжёлое лето в поле без жажды. В некоторых районах существовал обычай пробовать сорок видов пищи, а поскольку это было невозможно, ели сорок зёрен жареной пшеницы, символизирующих сорок блюд.

Все члены семьи и родственники должны были собраться в доме старшего рода — центральное место семьи было одним из важнейших элементов ночи Челле. Для новобрачных также проводился обряд «Челлеи»: семья жениха с подарками — одеждой, тканями, головкой сахара — шла в дом невесты, а семья невесты готовила подарок для жениха.

До появления холодильников умение хранить фрукты было одним из важнейших жизненных навыков. Наваиан объясняет, что в регионе Анзали существовало традиционное приспособление под названием «Варис» — верёвка, сплетённая из циновки, на которой подвешивали арбузы, дыни, тыквы и даже чеснок в прохладных частях дома. Эти фрукты хранились месяцами, чтобы быть съеденными в ночь Челле.

Гранаты помещали в глиняные кувшины, запечатывали горлышко глиной и закапывали в землю. Когда наступала ночь Челле, кувшины выкапывали и ели свежие гранаты. Часть архитектуры

северных домов также формировалась исходя из этой потребности: самая прохладная часть дома всегда находилась на западе и северо-западе и использовалась для хранения пищи и мяса.

Но почему красный цвет так важен в ночь Челле?

Наваи связывает это с символом солнца и огня. Ночь Челле, с точки зрения древних иранцев, — это ночь рождения солнца, которая позже заняла своё место в традициях митраизма. Огонь был домашним символом солнца, и всё, что имело цвет, подобный огню — арбуз, гранат, варёная свёкла, — занимало особое место на столе этой ночи. Даже в старинных рисунках и одежде красный цвет символизировал присутствие огня в доме.

В прошлом в предгорных и горных районах был распространён обряд «Шал-андази» (бросание платка). Молодёжь свешивала платок через отверстие в доме хозяина, а хозяин привязывал к уголку платка подарок — обычно местные угощения красного цвета — и возвращал его. Но самой важной частью этого обряда было единение: если у какой-то семьи не было возможности купить арбуз, жители деревни обязательно приносили им дольку, чтобы никто не остался без участия в ночи Челле.

Рассказ о Челле продолжается другой сказкой:

Пиле-Челле, т.е. старший брат, более спокойный и продолжительный; а Куче-Челле, т.е. младший брат, более холодный и суровый. Говорили, что если Малому Челле выдавалось больше времени, он приносил такие морозы, что «спящий младенец» замёрз бы в колыбели. Интересно, что многие исторические снегопады в Гиляне, включая снегопады 2004-го и 2007-го годов, происходили именно в период Малого Челле.

В скотоводческом обществе также существовали интересные приметы. Утром после ночи Челле, открывая хлев, обращали внимание на первую корову, которая выходила: белая корова предвещала снежную зиму, чёрная — бурную, а жёлтая или бурая считалась признаком засух.

Наваиан подчёркивает, что хотя способы проведения ночи Челле среди талышей, галешей, гилянцев, горных и равнинных жителей различаются, общий дух обряда остаётся неизменным: собрание, радость, уважение к солнцу, сохранение связи с природой и забота друг о друге.

В заключение он называет ночь Челле возможностью вспомнить знания, которые предыдущие поколения терпеливо и опытным путём передали нам — знания, которые до сих пор могут поддерживать тёплый свет в домах. Счастливого вам ночи Челле!

Чтобы посмотреть видеоинтервью с доктором Наваианом в инстаграм ежесемейника, отсканируйте QR-код ниже.



از بندر هوشمند تا هاب لجستیک شمال کشور؛ نقشه راه مدیر عامل محور طلایی کاسپین



خدمات THC تبدیل کرده است. هر کانتینری — یخچالی یا معمولی — که وارد کاسپین شود، در این مجموعه امکان دریافت کامل ترین خدمات را دارد.

بوستانی نقش بندر کاسپین را در ترانزیت و تجارت خارجی ایران یادآوری می کند؛ بندری که در مسیر کریدور شمال جنوب قرار گرفته و با اتصال مستقیم به منطقه آزاد، بسیاری از تشریفات گمرکی و مالیاتی را ساده تر کرده است. به گفته بوستانی، «ترکیب موقعیت استراتژیک بازیرساخت های ما، باعث شده محور طلایی کاسپین یکی از گرهای اصلی جریان واردات، صادرات و ترانزیت کالا در شمال کشور باشد.» کالاهایی که بیشترین حجم عبور از این بندر را دارند شامل غلات، نهاده های دامی، کالاهای فله خشک، فرآورده های مایع سوختی و شیمیایی، و همچنین محموله های کانتینری است.

در بخش ایمنی و محیط زیست نیز، مدیر عامل با جدیت بر این نکته تأکید می کند که عملیات بندری بدون رعایت HSE، قابل تصور نیست. «ایمنی برای ما یک پروتکل اداری نیست؛ یک فرهنگ است.» او توضیح می دهد که سیستم HSE به صورت کامل استقرار یافته، عملیات به شکل ۲۴ ساعته پیش می شود، کارکنان آموزش های دوره ای دریافت می کنند و تجهیزات اطفای حریق و کنترل نشست در بالاترین استانداردها نگهداری می شوند. مدیریت پسماند و رعایت دقیق الزامات محیط زیست دریایی نیز جزئی جدایی ناپذیر از عملیات روزانه است.

بوستانی سپس به برنامه های توسعه ای شرکت می پردازد؛ برنامه هایی که به وضوح نشان می دهد نگاه این مجموعه تنها محدود به ظرفیت های فعلی نیست. افزایش ظرفیت انبارهای مسقف از ۳۷ هزار به ۵۷ هزار مترمربع، افزایش حجم سیلوهای غلات از ۴۵ هزار به ۹۰ هزار مترمکعب، افزایش ظرفیت مخازن از ۹۵ هزار به ۱۱۰ هزار مترمکعب و توسعه خدمات ارزش افزوده در حوزه بسته بندی و پردازش کالا، بخشی از این برنامه هاست. به گفته مدیر عامل، اتصال ریلی بندر کاسپین چشم انداز جدیدی برای تجارت خارجی ایران باز کرده و شرکت نیز قصد دارد زیرساخت های خود را متناسب با این فرصت، گسترش دهد.

نایب رئیس هیئت مدیره انجمن بنادر خصوصی ایران نقش فناوری را نیز یکی از ستون های اصلی تحول شرکت می داند: «دیگر دوره بندر سنتی تمام شده. امروز بندر هوشمند است که حرف اول را می زند.» سیستم های هوشمند مدیریت انبار، کنترل دیجیتال مخازن، اتوماسیون عملیات اسکله، مانیتورینگ ۲۴ ساعته و نرم افزارهای

هواپیما کاسپین بوی فلز خیس خورده، غبار غلات و نمک دریا را یک جا با خود دارد؛ همان فضایی که هر لحظه اش یادآور جریان خاموش اما قدرتمند تجارت در شمال کشور است. زمانی که پا به محوطه بندر گذاشتیم، کامیون ها در صف بارگیری، جرثقیل ها در حال چنگ زدن به محموله های غلات و کشتی ها کنار اسکله ها پهلو گرفته بودند؛ گویی همه چیز هماهنگ با ریتمی منظم در حرکت است. در همین فضا، سید مهدی بوستانی مدیر عامل شرکت محور طلایی کاسپین و نایب رئیس هیئت مدیره انجمن بنادر خصوصی ایران، با آرامش و دقتی خاص درباره فعالیت ها، ظرفیت ها و چشم انداز این مجموعه توضیح می دهد؛ توضیحاتی که نشان می دهد محور طلایی کاسپین تنها یک شرکت بندری نیست، بلکه گره ای مهم در شبکه لجستیک ایران و حوزه خزر است.

بوستانی در همان ابتدا با اشاره به چهار پست اسکله فعال شرکت، یک اسکله دلفین و یژه کشتی های سوختی و فله مایع و سه اسکله چندمنظوره توضیح می دهد که این مجموعه توان پهلو دهی انواع کشتی های دریایی خزر را دارد. عمق حوضچه آرامش بندر به ۷ متر می رسد، یعنی کشتی هایی با ظرفیت بیش از ۱۰ هزار تن نیز به راحتی در اینجا پهلو می گیرند. ظرفیت عملیاتی شرکت اکنون سالانه نزدیک به ۱۰۹ میلیون تن انواع کالا است؛ از غلات و روغن خوراکی گرفته تا فرآورده های سوختی و شیمیایی.

اما آنچه شرکت را از دیگر مجموعه های مشابه متمایز می کند، زیرساخت های آن در حوزه ذخیره سازی است. بوستانی توضیح می دهد که در فاز نخست، ۴۵ هزار مترمکعب سیلوی استاندارد با ظرفیت ۲۶ هزار تن احداث شده که امکان ذخیره و نگهداری انواع غلات و نهاده های دامی را فراهم می کند. در بخش فله مایع نیز، وجود ۱۶ مخزن سقف ثابت و ۲ مخزن سقف شناور با ظرفیت مجموع ۹۵ هزار مترمکعب، شرکت را به یکی از مجهزترین پایگاه های ذخیره سازی فرآورده های سوختی و غیر سوختی در شمال کشور تبدیل کرده است.

شش خط لوله اختصاصی که از اسکله دلفین تا سه ایستگاه تخلیه و بارگیری کشیده شده، که به گفته مدیر عامل شرکت محور طلایی کاسپین، سرعت عملیات را چند برابر کرده و باعث شده انتقال انواع سوخت سبک، سنگین، روغن مایع و سایر فرآورده ها با خطوط لوله تفکیک شده و بدون تداخل انجام شود.

در کنار این ها، ۳۷ هزار مترمربع انبار مسقف و حدود ۱۰ هکتار ترمینال کانتینری (CFS)، محور طلایی کاسپین را به مرکزی مهم برای استرپ، استافینگ، نگهداری کالاهای متفرقه و ارائه

کشور، جذب صاحبان کالای بین المللی، گسترش خدمات فله خشک و مایع، توسعه فاز دوم زیرساخت ها، دیجیتال سازی کامل عملیات و ایجاد همکاری های گسترده با شرکت های خارجی.

وقتی گفت و گو پایان می یابد و از اتاق مدیر عامل خارج می شویم، صدای مداوم عملیات بندر همچنان در گوش می پیچد؛ گویی اینجا نقطه ای است که اقتصاد، تکنولوژی، تجارت و حمل و نقل هر روز به هم گره می خورند جایی که «محور طلایی کاسپین» نه تنها کالا جابه جایی می کند، بلکه مسیرهای جدیدی برای حرکت اقتصاد کشور باز می کند.

یکپارچه مدیریت بندری، همه باعث شده عملیات سریع تر، امن تر و با خطای کمتر انجام شود. بوستانی در بخش پایانی گفت و گو به موضوع مشتریان اشاره می کند: «صاحبان کالا از ما سرعت، دقت، امنیت و شفافیت می خواهند. ما هم با ارزیابی مداوم عملکرد، نظرسنجی، جلسات دوره ای و گزارش دهی دقیق، این اعتماد را حفظ می کنیم.»

چشم انداز او برای آینده شرکت روشن و بلندپروازانه است: تبدیل شدن محور طلایی کاسپین به هاب لجستیکی پیشرو در شمال

